

بررسی اجرای طرح قاضی مدرسه و تأثیرات آن در روند جرم و جنایت

معصوم اربابی^۱، فاطمه سجادی^۲، علی حیدری نیا^۳، میترا کاظمی نیا^۴

^۱ کارشناس مشارکتهای آموزش و پرورش شهرستان ایرانشهر

^۲ کارشناس انجمن اولیا و مربیان آموزش و پرورش شهرستان ایرانشهر

^۳ مسول طرح قاضی مدرسه آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان

^۴ کارشناس انجمن اولیا و مربیان نصرت اباد

چکیده

پیشگیری رشدمدار از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است که متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر بوده و هدف از آن مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از تکراری شدن بزهکاری در بزرگسالی است. یادگیری و آگاه‌سازی از سنین پایین باعث نهادینه شدن این آموزش‌ها در افکار آنها شده و سبب می‌شود تا در بزرگسالی نتایج آن در اجرای بهتر قوانین و در زندگی روزمره آنها دیده شود. با توجه به نسل نوجوان و متفاوتی که با آنها روبه‌رو هستیم، لزوم استفاده از کارشناسان به‌روز، مطلع از آسیب‌های اجتماعی امروز جامعه، جوان و باتجربه بسیار مهم است و آشنایی با مسائل و دغدغه‌های این نسل امری حیاتی در اجرای ثمربخش این طرح است. آگاه‌سازی دانش‌آموزان از خطرهای بزهکاری اجتماعی و آموزش حقوقی با توجه به مقتضیات سنی و حساسیت‌های دوران بلوغ و بحران هویت در این برهه سنی و خطراتی همچون آشنایی با افراد ناهل بسیار مهم و نکته ظریف و مهمی است که در این آموزش‌ها باید مد نظر قرار گیرد. هوشیاری و هدایت افراد در این سنین نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد، جرائم اینترنتی و آسیب‌های ویژه مجازی دارد و در کنار آن، آگاه‌سازی والدین و معلمان بسیار اثرگذار است. به دلیل پیشرفت و گسترش علم و تکنولوژی و لزوم استفاده از وسائل الکترونیکی به ویژه موبایل در چند سال اخیر و به دلیل همه‌گیری کرونا و دسترسی آسان به فضای گسترده اینترنت، باعث ورود خرده‌فرهنگ تهاجمی کشورهای دیگر به کشور شده است که در بسیاری از مواقع باعث بروز بی‌حیایی، بی‌پروایی، بی‌خیالی و حتی ترویج بی‌عفتی در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ شده که موجب نگرانی برای خانواده‌ها و جامعه شده است که در صورت ناشناخته ماندن و رصد نشدن و جلوگیری نکردن از آنها، اثرات مخربی بر جامعه ایرانی-اسلامی کشور خواهد داشت و شکاف بین نسلی بیشتری بین فرزندان و والدین ایجاد می‌کند. در کنار آگاه‌سازی و آموزش ارزش‌های دینی و

اخلاقی، بالا بردن اعتماد به نفس، هویت‌بخشی، آشنایی با فرهنگ و قوانین حاکم بر کشور، راهکار موثری در اجرای این طرح است. قرار است در این طرح با استفاده از ظرفیت‌های سایر دستگاه‌ها و متخصصان، قضات و سایر کارشناسان با حضور در مدارس، دانش‌آموزان را با مسائل حقوقی، مفاهیم جرم و راهکارهای پیشگیری از آن مطلع کرده و اطلاعات و تجربیات مفیدی به دانش‌آموزان، اولیا و کارکنان انتقال داده شود. استفاده از ظرفیت تشکل‌های مردمی، خیران و معتمدان در این طرح، باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. به دلیل وجود بیش از ۱۵ میلیون دانش‌آموز در کشور، نقش مدرسه در ترویج فرهنگ قانونمداری در جامعه بیشتر نمایان می‌شود و آغاز آموزش در سنین پایین بسیار تاثیرگذار و به نوعی تضمینی است. در کنار آگاه‌سازی دانش‌آموزان، آشنایی قضات با مشکلات و آسیب‌های جدید قشر جوان و نوجوان برای صدور آرای مناسب، ترویج فرهنگ قانونمداری هم جنبه‌های دیگر این طرح است. گر بتوانیم با کمک هنرمندان مفاهیم را در قالب نمایش، تئاتر، کلیپ، موشن، عکس و فیلم به کودکان، نوجوانان و جوانان ارائه دهیم بی‌شک تاثیرگذاری این طرح چندین برابر خواهد بود. با جمع‌آوری اطلاعات از پرونده‌های محاکم اطفال و ارتباط با کارشناسان و مشاوران آموزش و پرورش و مسئولان مدارس می‌توان به اولویت‌ها، چالش‌ها، جرائم اولویت‌دار و پرتکرار دست یافت و با برنامه‌ریزی با روشی هدفمند و موثر در اجرای این طرح گام برداشت.

واژه‌های کلیدی: طرح، قاضی مدرسه، جرم، جنایت

مقدمه:

همجواری با کشورهای مجاور به عنوان بزرگترین تولیدکنندگان مواد مخدر در جهان، کمبود فرصت های اشتغال و بنگاه های اقتصادی، ضعف در توانمندسازیهای اجتماعی و ویژگی های محیطی و جغرافیایی مرزهای استان سیستان و بلوچستان از عوامل موثر تسهیل قاچاق و ترانزیت مواد مخدر در استان می باشد. طرح های ارتقاء امنیت اجتماعی، جمع آوری خرده فروشان مواد مخدر و معتادین متجاهر باید به صورت مستمر در دستور کار قرار گیرد. اقدامات هماهنگ و همگرا مابین دستگاه های امنیتی، انتظامی و اطلاعاتی با پشتوانه های قضایی را ضروری دانسته و ابراز امیدواری کرد بزودی طرح های پاکسازی پاتوق های توزیع و مصرف واد مخدر در شهرستان زاهدان بصورت طرح های مشترک در آینده ای نزدیک جمع آوری گردد. خوشبختانه آمار کشفیات مواد مخدر در سه ماهه نخست سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته به نحو چشمگیری افزایش یافته و بیش از ۵۱ تن انواع مواد مخدر در این مدت کشف شده است. متاسفانه بین ۷۰ تا ۸۰ درصد جرایم استان مستقیم یا با واسطه با اعتیاد و مواد مخدر در ارتباط می باشد و در حال حاضر یکی از عوامل اساسی فروپاشی بنیان خانواده، اعتیاد می باشد (آبراهامسن، د. ۱۳۷۱).

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم با انجام اقداماتی همچون استفاده از سازمان های مردم نهاد و اجتماع محور و ارتقای مشارکت های مردمی درصددپیشگیری از اعتیاد و توزیع مواد مخدر می باشد. اجرای طرح قضایی و پلیس مدرسه باهمکاری آموزش و پرورش و معاونت اجتماعی پلیس همزمان بابازگشایی مدارس خبر داد. برابر برنامه ریزی انجام شده مقرر شد قضات دادسرا و دادگاه با حضور در مدارس؛ به ویژه مدارس دچار آسیب اجتماعی بیشتر حضور یافته و در زمینه آسیب های اجتماعی، مواد مخدر، خشونت، مسئولیت پذیری دانش آموزان در حقوق فردی و اجتماعی، آشنایی با حقوق شخصی در قانون اساسی، آموزش مفاهیم حقوقی، تقویت تاب آوری، حل مساله در دانش آموزان، آموزش مهارت های اجتماعی و موضوعات و سوالات مطرح شده از سوی دانش آموزان اقدام کنند که مستمر در حال انجام است (اتکینسون، م. بنای، گ. ه. ۱۳۸۴).

بیان مسئله:

بزهکاری، ایستادن رودرروی قانون است؛ چه برای مرد، چه برای زن و چه برای کودک و نوجوان. به بزهکاری بزرگسالان جرم می گویند، اما برای کودک و نوجوان از واژه بزه استفاده می شود تا نشان دهند خلافاکاری های کودکان نه به غلظت رفتارهای مجرمانه بزرگسالان است و نه نیتی که بچه ها برای دست زدن به کار خلاف دارند، شبیه بزرگ ترهاست. در معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه چنین نگاهی به زیر ۱۸ سال ها می شود، نگاهی که حالا قرار است از قالب یک نقطه نظر صرف بیرون بیاید و در میدان عمل به نوجوانان و جوانان آگاهی های حقوقی بدهد تا اگر روزی در مسیر زندگی، فرصت ارتکاب یک بزه را پیدا کردند، بدون فکر به استقبال آن نروند بلکه کمی مکث کنند، در ذهنشان سود و زیان آن کار را بسنجند و با آگاهی به آن «نه» بگویند (ثنایی، ب. ۱۳۷۵).

«قاضی مدرسه» هنوز یک ایده است و تا امروز فقط یک دستورالعمل تصویب نشده دارد، اما با این حال اهدافی که دنبال می کند، کلیدی است. هدف اصلی از نگارش این دستورالعمل را - که پس از تصویب برای اجرا به تمام استان ها ابلاغ می شود - آگاه سازی نوجوانان و جوانان از رفتارهای مجرمانه، خطرات بزه دیدگی و مسئولیت پذیری در مقابل اعمال مجرمانه می داند که در نهایت می تواند به کاهش وقوع جرم در بین افراد کمتر از ۱۸ سال بینجامد. آگاه سازی حقوقی افرادی که در سن مدرسه هستند و ممکن است از سر نا آگاهی پایشان بلغزد و ندانسته مرتکب کار خلاف قانون شوند، تاثیر زیادی در جلوگیری از وقوع

رفتارهای مجرمانه دارد، همان طور که اجرای ایده قاضی مدرسه در استان خراسان رضوی که از شش سال پیش در برخی مدارس اجرا شده به کاهش رشد جمعیت کیفری محصلان منجر شده است. یک قاضی مسلط به مسائل حقوقی و اجتماعی که در حوزه جرایم کودک و نوجوان نیز کار کرده و قدرت برقراری ارتباط کلامی با نوجوانان و جوانان را دارد و می‌تواند بر آنها تاثیر بگذارد، ساعاتی از هفته در مدارس حاضر شود و به ارائه اطلاعاتی مثل این که جرم و بزه چیست، رفتارهای مجرمانه کدام است و بعد از ارتکاب بزه چه پیامدهایی گریبان فرد را می‌گیرد، بپردازد. آگاه‌سازی حقوقی افرادی که در سن مدرسه هستند و ممکن است از سر ناآگاهی پایشان بلغزد و ندانسته مرتکب کار خلاف قانون شوند، تاثیر زیادی در جلوگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه دارد. گفته‌های قاضی نباید به گونه‌ای باشد که نوجوان و جوان از جرایمی که اطلاع ندارند، باخبر شوند و میل به تجربه کردن آنها پیدا کنند بلکه این آگاهی‌ها باید در حدی باشد که به گذراندن ایمن دوره نوجوانی و جوانی دانش‌آموزان کمک کند و تلنگری باشد که هر زمان دانش‌آموزی خواست به سمت کار خلاف برود پیش خود دودوتا چهارتا کند و عاقبت کار و مجازات در انتظار را پیش چشم بیاورد، نه این که بی‌محابا به دل جرم بزند و رفتار مجرمانه برایش به عادت تبدیل شود (خالقیان، ب. ۱۳۸۳).

در کشور ما گرچه جمعیت بزهکاران و مجرمان به نسبت کل جمعیت کم است، اما همین تعداد محدود، امنیت کل اجتماع را به خطر انداخته‌اند به نحوی که بیشتر جرایم ارتكابی آنها رفتارهای مجرمانه از پیش طراحی شده است. اگر بتوانیم با گسترش آگاهی‌های حقوقی و مطلع کردن افراد از عواقب انجام بزه و عوارض بزه‌دیدگی، چه در قالب قاضی مدرسه و چه با انجام کارهایی مشابه، جرایم را به جرایم اتفاقی محدود کنیم گامی مهم برای پیشگیری از وقوع جرم برداشته‌ایم (دانه‌کار، م. ۱۳۷۳).

بزهکاری از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد که بخشی از آنها در ناقص بودن اقدام‌های دولت در زمینه جامعه‌پذیرسازی شهروندان ریشه دارد در واقع این کوتاهی، کم‌کاری دولت‌ها در ایجاد محیط مناسب جهت سپری شدن درست فرآیند رشد افراد است که شماری از آنها را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهد. بر این اساس دولت‌ها باید با رویکرد رفاه مدار درصد زمینه‌سازی به‌منظور بهتر کردن شرایط زندگی کلیه شهروندان از جمله بزه‌کاران باشد. از این رو تدابیر پیشگیری از بزهکاری اولویت اول در سیاست‌گذاری‌های جنایی کشورهای مختلف است. در واقع این تحقیق درصد پرداختن به پیشگیری اجتماعی با تأکید بر پیشگیری اجتماعی رشد مدار است. این پیشگیری در درجه اول متوجه کسانی است که در معرض خطر ارتکاب جرم قرار دارند و در این میان اطفال و نوجوانان از اولویت برجسته‌ای برخوردار هستند. چراکه پیشگیری اجتماعی رشد مدار تلاش می‌کند تا با مطالعه کودکان و نوجوانان و استفاده مناسب از سازوکارهای حمایتی موجود در محیط‌هایی مانند خانواده و مدرسه، افراد مشکل‌دار را به‌سوی هم‌نوایی با قواعد اجتماعی سوق دهد (Mahdavi, ۲۰۱۱). در واقع هدف این پیشگیری مداخله در فرآیند جامعه‌پذیری افراد است تا از ضدا اجتماعی شدن افرادی که در شرایط بحرانی به سر می‌برند جلوگیری کند. سازمان ملل متحد با تأکید بر اینکه کودکان و نوجوانان بیش از هر گروه سنی دیگری در معرض ارتکاب جرم قرار دارند، دولت‌ها را مکلف کرده است که به‌منظور پیشگیری از وقوع جرائم، امکاناتی را فراهم کنند تا کودکان و نوجوانان را به‌سوی تعلیم و تربیت عاری از بزهکاری هدایت کند. در اعلامیه حقوق بشر نیز که در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی انتشار یافت، آموزش و پرورش را یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق هر فرد انسان یاد کرده‌است. این اهمیت از این واقعیت نشأت می‌گیرد که انسان با تعدادی رفتارهای بازتابی به دنیا می‌آید و تمامی مهارت‌ها و توانایی‌های موردنیاز برای زندگی کردن یعنی تطابق و مقابله با محیط را از راه یادگیری و شکوفایی و پرورش استعدادهای بالقوه‌اش کسب می‌کند. ارسطو عقیده دارد که وضع

جسمی و روانی افراد در انتخاب بزه مؤثر است و نهادهای آموزشی و اجتماعی هم نقش مؤثری را در پیشگیری از وقوع جرم به عهده دارند. نهادهای اجتماعی باید به نحوی معقول نیازهای مردم را برطرف سازند در غیر این صورت با انواع انحرافات اجتماعی در جامعه مواجه خواهیم شد. مثلاً اگر معلمان در کلاس‌های درس از مدیریت‌های علمی و عاطفی برخوردار باشند دانش‌آموزان به سمت انواع انحرافات اجتماعی گرایش پیدا نخواهند کرد اگر کتب درسی قوه خلاقیت دانش‌آموزان و روحیه پژوهشگری و جستجوگری و کسب مهارت‌های زندگی را در دانش‌آموزان به وجود آورد می‌توان امیدوار بود که دانش‌آموزان رغبتی به سمت انحرافات اجتماعی نخواهند داشت. از طرف دیگر خانواده‌ها باید مکلف شوند تا اقدامات تربیتی منظمی در جهت تربیت صحیح اطفال انجام بدهند که طبیعتاً در این جهت حتماً باید آموزش‌های لازم را ببینند. دولت نیز باید در این راه با فراهم کردن امکانات لازم در این راه خانواده و نظام آموزش و پرورش را یاری نمایند و همچنین اقدام به تأمین امکانات رفاهی اقشار آسیب‌پذیر جامعه بنماید زیرا ریشه بسیاری از جرم‌ها مسائل اقتصادی است. در واقع هدف اصلی مقابله با بحران بزه‌کاری و به‌نوعی سالم‌سازی شخصیت افراد است. سؤالات تحقیق حاضر عبارت‌اند از اینکه:

۱. خانواده، رسانه و مدرسه چه جایگاه و نقشی در پیشگیری از جرم می‌توانند ایفاء نمایند؟
 ۲. دولت‌ها باید چه معیارهایی را جهت تعلیم و تربیت افراد رعایت نمایند؟
 ۳. آموزش تا چه اندازه می‌تواند عوامل جرم‌زا را در وضعیت پیش جنایی خنثی نماید؟
- فرضیه‌های تحقیق نیز به این شرح‌اند:

۱. خانواده، مدرسه و رسانه می‌توانند جزء پیشگیری اجتماعی رشد مدار قرار گیرند.
۲. دولت‌ها معیارهایی چون عدم تبعیض و در دسترس بودن آموزش را باید مدنظر قرار دهند.
۳. آموزش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم در کنار پیشگیری وضعی می‌تواند تا حدودی عوامل جرم‌زا را خنثی یا تقلیل دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

قاضی مدرسه قرار نیست معجزه کند. این ایده اگر در مدارس کشور بویژه مدارس که در مناطق جرم‌خیز قرار دارد و شاگردانش بستر وقوع جرم را آماده می‌بینند، به طور کامل اجرا شود، در خوشبینانه‌ترین حالت می‌تواند با دادن آگاهی‌های حقوقی، دست دانش‌آموزانی را که مستعد اصلاح و تربیت هستند، بگیرد و گرنه برای دانش‌آموزانی که در خانواده آموخته‌اند جرم بخشی از زندگی است، آگاهی دادن‌های محدود در مدرسه نمی‌تواند ضامن گذران ایمن سال‌های پرلغزش نوجوانی و جوانی باشد. ما کسی نیستیم جز آدمی دست‌پرورده خانواده، مدرسه و اجتماع، پس اگر بزه‌کار می‌شویم، هم تقصیر خانواده است و هم کوتاهی مدرسه و اجتماع، اما نقش خانواده پررنگ‌تر از دو عامل دیگر است. کودک، ابتدای راه زندگی است که خودش را در خانواده می‌بیند، با پدر و مادری که انتخاب او نیستند و شرایطی که چاره‌ای جز تطابق با آن ندارد (صالح‌فر، ع. ۱۳۷۴).

تولد در برخی خانواده‌ها از خوش‌شانسی است، اما به دنیا آمدن در خانواده‌هایی که پدر و مادر در آن به ارزش‌های اخلاقی تعهد ندارند، رفتارشان بی‌ثبات است، مدام باهم درگیرند، در آستانه طلاقند، در چنگ اعتیاد اسیرند و نمی‌توانند میان فرزندان عادلانه رفتار کنند، عین بدشانسی است. جرم‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی، بودن در چنین خانواده‌هایی را - که بیشترشان در کنار فقر فرهنگی، فقر اقتصادی را هم تجربه می‌کنند - زمینه‌ساز بروز بزه می‌دانند که معمولاً پیش‌بینی‌شان درست از آب درمی‌آید و این خانواده‌های آسیب‌دیده، کودکانی آسیب‌دیده روانه اجتماع می‌کنند. بیشتر این کودکان در جامعه

رها می‌شوند تا کسی شبیه پدر و مادرشان شوند، اما اگر کمی شانس بیاورند یا خانواده‌شان هنوز معتقد به سوادآموزی کودکان باشد، به مدرسه می‌روند. مدرسه می‌تواند جایی امن برای بچه‌ها باشد، برای سوادآموزی، جبران کاستی‌های موجود در خانواده و جایی برای ترمیم زخم‌های مانده بر تن کودک از خانواده‌ای از هم پاشیده است (صلاحی، ج. (۱۳۸۷)).

در برخی مدارس، بعضی مدیران و معلمان درد دانش‌آموزان را شناسایی می‌کنند و برای درمان آسیب‌هایشان دست به کار می‌شوند، اما در بیشتر مدارس، مشغله‌های شغلی اولیای مدرسه مانع از وقت گذاشتن برای دانش‌آموزان و موشکافی مشکلاتشان می‌شود، ضمن این‌که گاه رفتارهای تبعیض‌آمیز و توأم با توهین در مدرسه نیز عاملی برای گریز دانش‌آموز مشکل‌دار از محیط آموزشی و در نتیجه رها شدن او در جامعه‌ای پرخطر می‌شود. تکلیف جامعه هم که روشن است؛ مجموعه‌ای هزار رنگ که اگر پشت سر فرد، خانواده‌ای دلسوز و پشتیبان نباشد تا او را در مواقع سخت زیر پوشش خود بگیرد، براحتی او را می‌بلعد و در دام بزهکاری اسیر می‌کند. پس طبیعی است مثلی که سه ضلع آن بیمار و پرمشکل است، نمی‌تواند دوره نوجوانی و جوانی ایمنی را تضمین کند، اما با وجود این نباید منکر تاثیر و کارآمدی آموزش و آگاه‌سازی بود، همان‌طور که از حالا نباید به ایده قاضی مدرسه با ناامیدی نگاه کرد و وجود خانواده‌های از هم پاشیده، مدارس بی‌اعتنا به مشکلات و جامعه‌ای پرخطر را مانعی صددرصدی بر سر راه پیشگیری از وقوع رفتارهای مجرمانه در میان دانش‌آموزان دانست (طلوعی، ع. (۱۳۸۴)).

پیشگیری اجتماعی مبتنی بر علت شناسی جرم است و مستلزم قبول این واقعیت است که عوامل مختلفی در تکوین جرم نقش دارند. در این پیشگیری توجه زیادی به علل بنیادی وقوع جرم می‌شود و بر این عقیده استوار است که جرائم در اثر نارسایی‌های اجتماعی به وقوع می‌پیوندند. هدف پیشگیری مذکور این است که به‌طور مستقیم از مجرم شدن افراد یعنی تبدیل بزهکاران بالفعل جلوگیری نماید و مجرمان بالفعل و بالقوه را از خطاهای آنی منصرف کند. سیاست‌های اجتماعی پیشگیری از جرم در طیف وسیعی از سیاست‌های اجتماعی مؤثر در تکوین جرم مانند سیاست‌های خانواده، آموزش و پرورش، اشتغال، بهداشت، مسکن و طراحی نواحی شهری و روستایی و مانند این‌ها قرار می‌گیرد. در این روش، در محیط مداخله می‌شود تا جرم‌زایی و مجرم‌پروری کاهش یابد. این محیط‌ها می‌تواند خانواده (ارتباط با والدین، محیط تشنج، گسست خانواده، تأثیر رفتار والدین، تأثیرات روابط عاطفی و...) یا مسکن باشد که خود دو بخش اصلی دارد: مسکن انتخابی (خانواده، شخص، شغل، تفریح، ارتباط جمعی، گروه‌های سازمان‌یافته، باندهای گروهی) و تحمیلی (محل تحصیل، سربازی، اردوها، زندان‌ها و...) لذا پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی است که به کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری و اجتماع‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند. (Danesh, ۲۰۰۵).

محیط خانواده، محیطی است که طفل در آن متولد شده، نشو و نما نموده و اعمال، رفتار و عاداتش بدون شک تحت تأثیر این محیط بوده و در حقیقت رفتارها، تقلیدها یا عکس‌العمل‌هایی است که او در مقابل این اجتماع کوچک و اشخاصی که با آن‌ها زندگی می‌کند، نشان می‌دهد. وضعیت و ثبات این محیط پیوسته در تشکیل شخصیت، اخلاق و عواطف او اهمیت اساسی دارد (Ghafari Gharavi, ۱۹۸۲).

خانواده از جمله عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک است. کودک به‌موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلیات خانواده خود را کسب می‌کند و آن‌ها را جزء شخصیت و منش خود می‌سازد (Tavassoly, ۱۹۹۰). رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک و نیز با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می‌سازد که در جامعه هم خشونت و جدال حلال مشکلات است؛ بنابراین، اقدام‌های تنبیهی-

تشویقی بی‌ضابطه پدر- مادران، برخورد نامناسب و نادرست آنان با یکدیگر، تک والدینی بودن، بی‌سوادی یا کم‌سوادی پدر- مادران، بزه‌کاری یا اعتیاد آنان، کمبود روابط عاطفی میان اعضای خانواده، ناتوانی مالی و اقتصادی، بی‌کاری پدر- مادران، بی‌اعتنایی نسبت به رفتار کودکان، عدم تفاهم خانوادگی، جدایی پدر- مادران از یکدیگر، رواج پرخاشگری میان اعضای خانواده به‌ویژه میان پدر- مادران، بزهکاری برادران و خواهران و اعزام و نگهداری آنان در نهادهای دولتی و مانند آن عوامل خطرناکند که بیم پایداری بزهکاری را نزد افراد در آینده می‌دهند؛ زیرا تحقیقات نشان داده‌اند کودکانی در آینده به مجرمین به عادت تبدیل می‌شوند که در خانواده‌های مشکل‌دار از حیث فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... تربیت می‌شوند (عسکریان، م. ۱۳۵۹).

وظیفه خانواده است که فرزندان خود را برای یک زندگی مستقل و سالم در آینده و در جامعه آماده کند به‌طوری‌که فرزندان علاوه بر اینکه بتوانند در مواجهه با هر برخوردی از سوی اعضای جامعه و هر مشکلی که بر سر راه او قرار می‌گیرد با توانمندی تدبیر کرده و راه موفقیت و پیشرفت خود را باز کنند و به راه‌های منحرفانه و خلاف‌کارانه هم به هر دلیلی چه به خاطر کمبودهای اقتصادی و چه مسائل عاطفی کشیده نشوند؛ اما در این مورد نباید تمام تکالیف تربیتی فرزندان را بر عهده خانواده گذاشت و با این کار برای جامعه به‌طور اعم، مسئولین و نهادهای مختلف به‌ویژه نهاد تأثیرگذار مدرسه به‌طور اخص هیچ‌گونه وظیفه‌ای متصور نشد و بدون کمک و مساعدت به خانواده، از خانواده انتظار تحویل دادن فرزندی با خصوصیات عالی داشت؛ بنابراین باید رابطه خانواده با مدرسه و اولیای مدرسه احیاء شده و در مدرسه به نقش و اهمیت خانواده در تربیت فرزندان اهمیت بیشتری داده شود و دارای ضمانت اجرایی باشد تا کودکان درصدد جلب رضایت و خشنودی خانواده از رفتار خود شوند و همچنین کودکان و نوجوانان در صورت جلب رضایت خانواده به خاطر رفتارهای خوب خود در خانه، در مدرسه نیز مورد تشویق قرار گیرند تا به این صورت کودکان از همان سنین اولیه به اهمیت جلب نظر خانواده و احترام و حرمتی که جامعه برای خانواده قائل است واقف شوند تا سعی در جلب نظر خانواده در رفتارهای خود نمایند. از طرف دیگر خانواده‌ها هم باید مکلف شوند تا اقدامات تربیتی منظمی در جهت تربیت صحیح اطفال انجام بدهند که طبیعتاً در این جهت حتماً باید آموزش‌های لازم را ببینند که می‌توان این وظیفه را بر عهده مدرسه گذاشت که با الزامی کردن حضور والدین در مدرسه و همکاری خانواده‌ها با اولیاء مدارس و با دعوت از متخصصین علوم تربیتی ازجمله روانشناسان و دعوت از کارشناسان کانون اصلاح و تربیت جهت توجیه کردن و آگاه‌سازی خانواده‌ها از خطرات در کمین فرزندان آن‌ها و همچنین دعوت از والدین بچه‌های موفق و... خانواده‌ها را در جهت تربیت صحیح فرزندان دارای علم و آگاهی ضابطه‌مند سازد. واضح است که دولت باید در این راه با تدارک ابزارهای انجام این طرح و فراهم کردن امکانات لازم به‌خصوص با تأمین نیازهای مالی مدرسه و تدوین مقررات و برنامه‌های دقیقی در این راه خانواده و نظام آموزش و پرورش را یاری نمایند (Parvizi, 2001). سیاست جنایی تقنینی ایران نیز بجای برخورد قهرآمیز و سرکوبگر نسبت به جرائم اطفال و نوجوانان رویکرد افتراقی و آینده‌نگر را با هدف اصلاح و پیشگیری اتخاذ نموده است (کلاه‌مال همدانی، ا. ۱۳۹۰).

تحلیل و بررسی:

پیش‌گیری از وقوع جرم یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های مبارزه با رفتارهای بزه‌کارانه و ناهنجاریهای اجتماعی است. حفظ حقوق فردی و اجتماعی و تأمین امنیت همه‌جانبه افراد، اتخاذ چنین تدابیر و اقداماتی را دو چندان می‌سازد. در جوامع بشری، آموزش می‌تواند در پیش‌گیری از وقوع جرم نقش به‌سزایی ایفا کند. به همین دلیل نحوه آموزش و آشنایی دانش‌آموزان در مدارس با انواع جرم، مجازات و راه‌های پیش‌گیری از آن، بسیار می‌تواند در تحقق این امر تأثیرگذار باشد. لذا با توجه به اهمیت

عملکردهای پیشگیرانه در راستای کاهش جرم، طرحی با عنوان طرح «آگاه‌سازی حقوقی در مدارس» یا «قاضی مدرسه» توسط قوه قضاییه در راستای اصل ۱۵۶ قانون اساسی صورت گرفته است که هدف از اجرای طرح قاضی مدرسه، حذف و کاهش عوامل وقوع جرم در مدرسه و پیش‌گیری از آسیبهای اجتماعی در جامعه است (محمود، م. ۱۳۶۸).

در این طرح علاوه بر آگاه‌سازی، به دنبال پیش‌گیری از وقوع جرایم و آسیبهای اجتماعی در مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان، آگاه‌سازی این افراد با خطرات بزه‌دیدگی، جرایم، رفتارهای مجرمانه، تبعات رفتارهای مجرمانه و مجازاتها، مسؤولیت‌پذیری آنها در مواجهه با اعمال و رفتارهای مجرمانه، ایجاد اعتماد و ارتباط مناسب بین دانش‌آموزان و دستگاه قضایی، آشنایی قضات با فضای مدارس و روحیات قشر جوان و نوجوان در راستای صدور آرای متناسب و ترویج فرهنگ قانون‌مداری در جامعه است. لازم به ذکر است که در این طرح باید مجرب‌ترین قضاتی که فن بیان و تسلط خوبی دارند حضور داشته باشند تا تأثیرپذیری طرح و هم‌چنین توجه دانش‌آموزان به مطالب بیان شده افزایش یابد و هم‌چنین سعی شود برای تعامل بیشتر با دانش‌آموزان و مشارکت آنها در طرح، پس از ارایه مطالب توسط قضات، سؤالهای دانش‌آموزان هم جمع‌آوری و پاسخ داده شود. پس در واقع ایجاد سنخیت سنی میان قاضی و نوجوان، نفوذ کلام و آشنایی قاضی با مسایل و دغدغه‌های روز نوجوانان از جمله مسایلی است که به آن توجه شده است.

حضور قضات دادگاههای اطفال و نوجوانان چون تجربه کافی در برخورد با کودکان بزه‌دیده را دارند، طبیعتاً نتیجه بهتری را حاصل می‌کند. زیرا این قضات تجربه دادگاههای اطفال را داشته و می‌توانند به راحتی اعمال مجرمانه را به آنها گوشزد کنند و تمامی مواردی که کودکان حتی نمی‌دانند که این موارد جرم است را به آنها بیاموزند. نکته مهم و قابل توجه در اجرای طرح قاضی مدرسه این است که برای این‌که دانش‌آموزان به قضات اعتماد یابند، مشاورین فرهنگی و آموزشی باید پیش از ورود قضات به مدارس، پیش زمینه اعتماد متقابل را ایجاد کنند تا پس از ورود قضات، کودکان به راحتی سؤالات خود را با آنها مطرح کنند. اگر تشکلهای مردمی در یک عزم جدی به منظور ریشه‌یابی جرایم وارد عمل شده و با همکاری خیران و معتمدان برای پیش‌گیری از آسیبهای اجتماعی تلاش کنند در زمان بسیار اندکی آمار وقوع جرم کاهش می‌یابد و در این میان مربیان و مدیران مراکز آموزشی در شناسایی خانواده‌های در معرض آسیب نقش مهمی دارند، چون به هر حال در هر جامعه‌ای جرم اتفاق می‌افتد و نمی‌توانیم ادعا کنیم که وجود ندارد، پس بهترین اقدام پیش‌گیری است و چه بهتر که آموزشها با هماهنگی و هدفمندی کامل صورت گیرد تا در آینده شاهد کاهش جرم در جامعه باشیم (مساواتی آذر، م. ۱۳۷۴).

نقش دوگانه مدرسه در پیشگیری از بزهکاری

بعد از خانواده، مدرسه دومین محیطی است که سرنوشت و آینده کودکان را رقم می‌زند. این نهاد، می‌تواند در افزایش سواد و اعتمادبه‌نفس و... در کودکان مؤثر باشد؛ چراکه محیطی است که بعد از خانواده کودک بیشتر اوقات خود را در آن سپری می‌کند و قاعدتاً همان‌گونه که می‌تواند مفید باشد، معایبی نیز دارد که سبب ایجاد ناهنجاری‌ها و بزهکاری می‌شود؛ که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

بررسی تأثیر مدرسه در بروز آسیب‌های اجتماعی (بزهکاری) کودکان و نوجوانان

دیدگاه‌های متفاوتی در مورد عوامل مؤثر در بروز بزهکاری وجود دارد اما بسیاری از نظریه‌پردازان با این مطلب که نظام آموزش و پرورش نیز مسئول میزان بالای بزهکاری نوجوانان است موافق‌اند. آن‌ها معتقدند که عواملی در مدرسه سبب بروز بزهکاری می‌شود از آن جمله:

شکست تحصیلی

اکثر نظریه‌پردازان معتقد به رابطه شکست تحصیلی و بزهکاری هستند معتقدند نوجوانانی که به علت ناتوانی قادر نیستند همراه با دیگر همکلاسی‌های خود ادامه تحصیل دهند، از مدرسه سرخورده می‌شوند و در صورت رانده شدن از سوی معلم و دیگر دانش‌آموزان با این اعتقاد که از راه‌های معمولی هرگز به موفقیت نخواهند رسید به دنبال دوستان همفکر خود می‌گردند و همراه آن‌ها به اعمال ضداجتماعی اقدام می‌کنند (Azimzadeh Ardabili, ۲۰۰۳).

مدرسه‌گریزی

به نظر می‌رسد اصطلاح مدرسه‌گریزی پس از اجباری شدن آموزش و پرورش در اواخر قرن نوزدهم میلادی در اروپا رواج یافت. عبارت مدرسه‌گریزی تمامی انواع اشکال غیبت غیرموجه و مستمر از مدرسه را در برمی‌گیرد. جرم‌شناسان فرار از مدرسه را انعکاس نامطلوب روش‌های غلطی می‌دانند که در مدرسه اعمال می‌شود که سرانجام منجر به ولگردی کودکان و نوجوانان می‌شود. در صورتی که دانش‌آموزی نسبت به محیط آموزشی خود بی‌علاقه گردد ممکن است به دنبال دوستانی باشد که مثل خود او فکر می‌کنند و با ترک مدرسه و فرارهای پی‌درپی به ولگردی و سرپیچی از نظم و مقررات عادت کنند. (معظمی، ش. ۱۳۸۲).

خشونت در مدرسه

طیف رفتار نامناسب دانش‌آموزان، ممکن است منشأ اصلی آن تجربه‌آموزشی باشد و از کوچک‌ترین موارد نقض مقررات آموزشی مدرسه همچون سیگار کشیدن و نوشتن تکالیف مدرسه و بی‌نظمی در مدرسه تا جرائم جدی نظیر تخریب اموال مدارس، فرار از مدرسه، ضرب و جرح، استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر را در برگیرد. نارضایتی از تجربه‌آموزشی عمدتاً منشأ ارتکاب انواع جدی‌تر کج‌روی را هم در داخل و هم در بیرون از مدرسه فراهم می‌کند. بعضی از دانش‌آموزان جامعه‌ستیز و ناراضی به ترک تحصیل و مدرسه تصمیم می‌گیرند که همین عامل ممکن است خلافتکاری آنان را تا دوران بزهکاری ادامه دهد (Hedayatollah, ۱۹۹۴).

مدرسه و پیشگیری از بزهکاری

محیط مدرسه در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان نقش به‌سزایی دارد و بخشی از سرنوشت و آینده دانش‌آموزان در مدرسه رقم می‌خورد. برنامه‌های مبتنی بر مدرسه متمرکز بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و ایجاد کلاس‌هایی برای والدین به منظور آموزش آن‌ها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان، می‌باشند. در اهمیت نقش پیشگیری در آموزش و پرورش می‌توان به

ماده ۵ آئین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۳۷۶/۸/۱۷ اشاره کرد که در آن، وزارت آموزش و پرورش مکلف است تدابیری را برای پیشگیری از اعتیاد دانش‌آموزان و شناسایی کودکان در معرض خطر فراهم آورد.

نهایتاً اینکه، نهاد آموزش و پرورش نهاد رسمی است که در جامعه وظیفه آموزش، فرهنگ، دانش و فنون را به عهده دارد و از این رو مهم‌ترین تلاش برای از بین بردن فاصله فاحش طبقاتی در جامعه؛ تعمیم آموزش و پرورش برای تک‌تک افراد است (Moazzami, ۲۰۰۸). در این راستا معیارهایی در سطح بین‌المللی وجود دارد که به صورت مختصر به آن‌ها می‌پردازیم. شایان ذکر است که این معیارها در تفسیر عمومی شماره ۱۳ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد به صراحت مدنظر قرار گرفته است (مهدوی، م. ۱۳۹۰).

در اختیار بودن

اداره مؤسسات آموزشی و برنامه‌های آموزشی الزاماً باید در حوزه کشور عضو، به تعداد کافی در اختیار همه باشد. کارکرد لازم این نهادها و برنامه‌ها به عوامل متعددی بستگی دارد برای مثال انتظار می‌رود که همه مؤسسات و مدارس ملزم به داشتن ساختمان، تسهیلات بهداشتی برای زنان و مردان، آب آشامیدنی سالم، معلمان آموزش‌دیده که حقوق قابل‌رقابتی در داخل کشور خود دریافت می‌کنند، مطالب آموزشی به کیفیت بالا و گه‌گاه تسهیلات رایانه‌ای باشند.

قابلیت دسترسی

نهادها و برنامه‌های آموزشی باید برای همه در داخل صلاحیت کشور عضو قابل دسترسی باشد. دسترسی پذیری دارای سه جنبه متداخل و همپوش است.

عدم تبعیض

آموزش باید برای همه به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیرتر، هم به لحاظ قانونی و هم در عمل، بدون تبعیض مبتنی بر دلایل ممنوعه قابل دسترسی باشد.

قابلیت دسترسی فیزیکی

آموزش باید به‌طور سالم و ایمن در محدوده دسترسی فیزیکی باشد، خواه با حضور در محل جغرافیایی که به صورت معقول، مناسب و راحت است (مثل مدرسه‌ای در محل) یا از طریق فناوری نوین (مثل دسترسی به برنامه آموزش از راه دور).

قابلیت دسترسی اقتصادی

آموزش باید به لحاظ هزینه برای همه قابل تحمل باشد. این بُعد از قابلیت دسترسی با عبارات متفاوتی در بند ۲ ماده ۱۳ در ارتباط با آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی بیان شده است. درحالی‌که آموزش ابتدایی باید «رایگان» در اختیار همه باشد، کشورهای عضو ملزم هستند به تدریج آموزش متوسطه و عالی مجانی را ارائه دهند.

قابل پذیرش بودن

شکل و محتوای آموزش، از جمله برنامه‌های درسی و شیوه‌ای تدریس باید برای دانش‌آموزان و در موارد مقتضی برای والدین قابل قبول و پذیرش باشند (مثلاً زیربسط مناسب از نظر فرهنگی و دارای کیفیت خوب) (مهران، ن. ۱۳۸۰).

انطباق‌پذیری

آموزش باید به گونه‌ای انعطاف‌پذیر باشد که بتواند با نیازهای جوامع و جمعیت‌های متحول سازگار باشد و به نیازهای دانش‌آموزان در شرایط متنوع اجتماعی و فرهنگی آنان پاسخ دهد. اگر مدرسه و محیط آموزشی و معلمان وظایف خود را درست ایفاء نمایند نه تنها زمینه جهت‌گیری مثبت در طفل فراهم می‌شود بلکه آثار منفی محیط خانوادگی و همسالان نیز خنثی و بلااثر می‌شود. مدرسه مانند یک واحد کنترل اجتماعی می‌تواند با تکیه بر اصل تشویق و تنبیه به دانش‌آموزان بیاموزد تا با استفاده از استعدادهای خود در یک رقابت سالم و سازنده وظایف آموزشی را به نحو احسن انجام دهند تا ضمن پیمودن مدارج ترقی امتیازات اجتماعی و خانوادگی تحصیل نمایند. فرآیند چنین امری نظم‌پذیری و اجتماعی شدن تدریجی و در نهایت تکامل و تکوین شخصیت فردی و اجتماعی نوجوانان خواهد بود. پژوهش‌ها حاکی از این است اکثریت کودکان بزهکار از نظر تحصیلی با مشکلاتی نظیر بی‌سوادی یا سواد در حد ابتدایی و راهنمایی مواجه هستند و به ندرت دبیرستان را به پایان رساندند (Drijani, ۲۰۰۱).

راه کارهای مناسب برای مقابله با آسیب‌پذیری اجتماعی کودکان و نوجوانان در مدرسه

به منظور مقابله با آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان در مدرسه، باید به جذب و نگهداری معلمان شایسته و کارآمد در نظام آموزش و پرورش اقدام نمود. به کارگیری معلمان دارای عشق به تدریس، علاقه‌مند به کودکان و نوجوانان و دارای سلامت اخلاقی و روانی و جسمانی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. یکی از مهم‌ترین راهکارها، برقراری پیوند و تحکیم احساس تعلق دانش‌آموزان به کلاس و مدرسه و برخورد ملاحظت‌آمیز و دوستانه معلم و اولیای مدرسه با دانش‌آموزان است؛ باید به معلمان مرتب با دانش‌آموزان در معرض خطر آموزش داد که نواقص تحصیلی و نابهنجاری‌های رفتاری این دانش‌آموزان را شناسایی و در رفع شرایط مخاطره‌آمیز آنان بکوشند. معلمان و اولیای مدرسه همواره باید خود را ملزم بدانند که در برنامه‌های آموزشی مشارکت دانش‌آموزان را جلب کرده و دانش‌آموزان را در خصوص ضرورت اجرای مقررات انضباطی و آموزشی قانع کنند. خلاصه اینکه با اصلاح روش‌های تدریس و ارزیابی، ایجاد انگیزه و افزایش موفقیت تحصیلی و تحکیم روابط میان دانش‌آموزان و اولیای مدرسه، بهبود محیط مدرسه از نظر کمی و کیفی و بالا بودن استانداردهای آموزشی ارتقای استانداردهای کارکنان آموزشی و معلمان و مدیران مدارس، متناسب نمودن برنامه‌های درسی با نیازهای دانش‌آموزان و آموزش حقوق به دانش‌آموزان و غیره می‌توان سطح آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان را کاهش داد و به حمایت از آن‌ها پرداخت (نجفی ابرندآبادی، ع. ح. ۱۳۷۷).

نتیجه گیری:

علل گرایش به اعتیاد از مسائل روانی و فردی تا مسائل اجتماعی و اقتصادی گسترده است و حال اگر این بلای ویرانگر در میان نسل آینده ساز جامعه گسترش پیدا کند به کلاف سردرگمی تبدیل می‌شود که می‌تواند یک نسل را نابود و یک جامعه را با مخاطره جدی روبه رو کند. همواره شاهد آن هستیم که در سراسر جهان، اعتیاد‌گریبانگیر افراد جوامع شده و آسیب‌های فردی

و اجتماعی به این افراد وارد شده است و بیشتر قشر آسیب پذیر که نوجوانان و جوانان هستند قربانی آن می‌شوند. حساس‌ترین دوره زمانی که به رشد و شکوفایی این جوانان می‌توان اختصاص داد با قربانی شدن در دام اعتیاد، سلامت جامعه را به خطر خواهد انداخت و برای اینکه جامعه‌ای سالم و به‌دور از اعتیاد داشته باشیم باید برنامه‌هایی در جهت پیشگیری از آسیب اعتیاد داشته باشیم، زیرا پیشگیری به مراتب بهتر از درمان خواهد بود. منظور از پیشگیری، شناسایی مخدرات سنتی و صنعتی هم به جوانان و هم به خانواده‌ها است که آن‌ها مخدرات را شناخته و با آسیب‌ها و خطراتی که جامعه را تهدید می‌کند آشنا شوند و باید گفت شناسایی مخدرات سنتی و به خصوص صنعتی که در اشکال مختلف در جامعه جوانان را هدف قرار داده، می‌تواند به صورت‌های مختلفی انجام شود. یکی از بهترین راهکارها آشنایی مخدرات در مدارس به دانش آموزان و خانواده‌های آن‌ها است. یکی از کارهایی که با مجموعه‌های مختلف نظیر آموزش و پرورش و ستاد مقابله با مواد مخدر در دست اجرا داریم این است که دستورالعمل‌هایی را تدوین کردیم تا دانش آموزان در این زمینه ارتقاء پیدا کنند و برای کمک به این موضوع طرح قاضی مدرسه را در برخی استان‌ها شروع کردیم و در حال زمینه سازی اجرای کشوری این طرح هستیم. در طرح قاضی مدرسه به صورت ماهیانه همکاران ما در سراسر کشور در مدارس حاضر می‌شوند و آسیب‌های اجتماعی که از نظر حقوقی ممکن است برای کودکان و خانواده آن‌ها ایجاد شود و یا ناخواسته وارد جرم شوند، آموزش‌های لازم در این زمینه داده می‌شود. بسیاری از نوجوانان ممکن است بر اثر استرس‌های جامعه به مصرف قرص‌های مختلف مانند شب امتحان پناه ببرند که تلاش شده با همکاری آموزش و پرورش و سایر نهادهای مرتبط با موضوع بتوانیم سطح آگاهی کودکان و دانش آموزان را افزایش دهیم. این آموزش‌ها از قبیل آموزش نه گفتم در مقابل سیگار و قلیان است که می‌تواند زمینه ساز اعتیاد به مواد سنگین باشد.

پیشگیری از جرم یکی از اصول مهم سیاست جنایی است که برای مهار پدیده مجرمانه به‌کار می‌رود. این امر از آن‌چنان اهمیتی برخوردار است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پیشگیری از وقوع جرم را در بند ۵ اصل ۱۵۶ از اهداف قوه قضاییه برشمرده است. اقدامات پیشگیری از وقوع جرم در نهادهایی که در فرآیند جامعه‌پذیری افراد نقش دارند، دارای کارکرد اساسی است. کودک در خانواده رشد می‌کند و برای اولین بار با عوامل جرم‌خیز از طریق خانواده و رسانه‌ها آشنا می‌شود و بعد پا به عرصه اجتماع می‌گذارد در این راستا اگر خانواده‌ها توجه کافی به فرزندان خود نداشته باشند، زمینه بروز انحرافات را در فرزندانشان پدید می‌آورند. لذا آموزش درست در مدارس و دانشگاه‌ها و تدریس اخلاق متناسب با مبانی دینی و فرهنگی، فرزندان را به سوی زندگی سالم سوق داده و موجب می‌شود تا فرزندان سرخورده در اجتماع رها نشوند و در زندگی خود هدفمند باشند. در پاسخ به سؤال نخست باید گفت خانواده می‌تواند با پیشگیری زودرس از بزهکاری برنامه‌های حمایتی خاصی همچون برنامه‌های مبتنی بر آموزش والدین، برنامه حمایت از خانواده‌های مشکل‌دار یا خانواده‌درمانی، برنامه‌های موسوم به خدمات مراقبتی روزانه را با رویکرد جامع و هماهنگ پیش‌بینی کند. سیاست جنایی تقنینی ایران نیز به نقش خانواده در پیشگیری از تکرار جرم در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکرد اصلاح و درمان تأکید نموده است.

آموزش و پرورش بعد از خانواده مهم‌ترین تأثیر را در رشد کودک بر جای می‌گذارد. درست است که در کشور ما آموزش و پرورش نقش چندانی در کاهش جرم ندارد اما به‌عنوان تنها نهادی که می‌تواند پیشگیری رشدمدار را به‌صورت صحیح در قالب آموزش‌های رایج تربیتی محقق سازد، می‌بایست با ادغام سیاست‌های جامعه‌شناسانه و آموزه‌های دینی، تعالیم نوینی را برای تربیت اخلاقی، قضایی و حقوقی کودک فراهم کند. همچنان که در بندهای ۳ و ۴ اصل سوم قانون اساسی به این وظایف اشاره شده است. همچنین در آئین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر مصوب ۱۳۷۶ به نقش آموزش و پرورش در پیشگیری از اعتیاد اشاره شده است که به‌موجب آن وزارت آموزش و پرورش را موظف کرده

تدابیری برای پیشگیری از اعتیاد دانش آموزان و کودکان در معرض خطر فراهم آورد. رسانه‌ها نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نظم و ثبات در جامعه دارند به نحوی که می‌توان گفت رسانه نماینده‌ای قوی جهت برقراری عدالت است و می‌تواند بر اعمال غیرعادلانه نظارت داشته باشد و آن‌ها را به تصویر کشیده و فریادری برای آلام مردم باشد به عبارت دیگر رسانه‌های گروهی در به تصویر کشیدن صحیح سیستم قضایی، آگاه کردن مردم در مورد حقوقشان و نشان دادن پیامدهای جرم نقش مهمی دارند. در پاسخ به سؤال دوم باید اذعان داشت که نقش دولت در تعلیم و تربیت و ارتقاء آموزش، در مقابل نقش خانواده، مدرسه و رسانه بسیار پراهمیت است به نحوی که در چارچوب اصول مورد حمایت دولت، سایر نهادها می‌توانند کارکرد مطلوب داشته باشند و در غیر این صورت به بیراهه می‌روند. حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از جرائم و آسیب‌های اجتماعی ناشی از عدم آگاهی و یا کمبود اطلاعات است لذا آموزش و افزایش آگاهی‌های عمومی از ضرورت‌های اجتماعی است. در پاسخ به سؤال سوم باید گفت آموزش باید متناسب با نیازهای آموزشی از قبیل سن، جنسیت، فرهنگ، شغل، باورهای دینی و... باشد که این امر موجب کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد؛ بنابراین بررسی نقش آموزش در جلوگیری از وقوع جرم مستلزم ورود در بحث پیشگیری خواهد بود. آموزش اقدامات پیشگیرانه در دو محور صورت می‌گیرد. آموزش همگانی از طریق افزایش آگاهی عمومی و بالا بردن رشد فکری جامعه، همکاری در برنامه‌های کنترل و مهار بزهکاران و ارتقای احساس مسئولیت افراد جامعه درباره وقایعی که در همسایگی آن‌ها رخ می‌دهد می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد. از سوی دیگر آموزش همگانی برای محافظت از جان و مال و دارایی‌های شهروندان موجب افزایش مشارکت‌های عمومی و پیشگیری از وقوع جرم می‌شود.

منابع:

۱. آبراهامسن، د. (۱۳۷۱) روان‌شناسی کیفی، ترجمه پرویز صانعی، نشر کتابخانه گنج دانش.
۲. اتکینسون، م. بنای، گ. ه. (۱۳۸۴) بهداشت روانی در مدارس، ترجمه اکبر رهنما و محمدرضا فریدی، نشر آییژ.
۳. ثنایی، ب. (۱۳۷۵) عوامل مؤثر بر شکست تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌های تحصیلی مختلف، مؤسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
۴. خالقیان، ب. (۱۳۸۳) روابط انسانی در مدرسه (چاپ دوم)، انتشارات مهاجر.
۵. دانه‌کار، م. (۱۳۷۳) "زمینه‌های اجتماعی بزهکاری"، پیوند، شماره ۱۷۷.
۶. صالح‌فر، ع. (۱۳۷۴) "بزهکاری کودکان و نوجوانان"، تربیت، شماره ۱۰۰.
۷. صلاحی، ج. (۱۳۸۷) بزهکاری اطفال و نوجوانان (چاپ سوم)، نشر میزان.
۸. طلوعی، ع. (۱۳۸۴) "آموزش و پرورش فراگیر"، تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، شماره ۴۹-۴۸.
۹. عسکریان، م. (۱۳۵۹) جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشر عطایی.
۱۰. کلاه‌مال‌همدانی، ا. (۱۳۹۰) "کارکردهای اجتماعی آموزش و پرورش"، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۵۲.
۱۱. محمود، م. (۱۳۶۸) زمینه بررسی بزهکاری کودکان و نوجوانان (چاپ دوم)، نشر چهر.
۱۲. مساواتی آذر، م. (۱۳۷۴) آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات): یک اثر تحقیقی و تطبیقی (چاپ اول)، نشر نوبل.
۱۳. معظمی، ش. (۱۳۸۲) فرار دختران؟ چرا، نشر گرایش.
۱۴. مهدوی، م. (۱۳۹۰) پیشگیری از جرم (چاپ اول)، سازمان چاپ و انتشار اوقاف.
۱۵. مهران، ن. (۱۳۸۰) "بزهکاری؛ واقعیتی نامشخص"، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۲۶-۲۵.
۱۶. نجفی ابرنآبادی، ع. ج. (۱۳۷۷) دانشنامه جرم‌شناسی (چاپ اول)، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. نجفی توانا، ع. (۱۳۸۵) ناپهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان از منظر جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی (چاپ اول)، نشر آموزش و سنجش.